

# پایش حقوق کودکان در مدرسه

«شورای پایش حقوق کودک» راهکاری عملی  
برای کاهش فاصله عمل و نظر در نظام تربیت  
رسمی و عمومی است

دکتر محمد حسنی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

## اشاره

یکی از شاخص‌های مهم و در خور توجه عدالت اجتماعی، «عدالت تربیتی» است و برای تحقق عدالت تربیتی جامعه باید حقوق تربیتی آحاد خود را تضمین کند و محقق سازد. دولت‌های مدرن امروزی متعهد به تحقق کامل حق تربیت رسمی و عمومی<sup>۱</sup> برای آحاد جامعه هستند. این تعهد در چهار سطح دارد: موجود بودن<sup>۲</sup>، در دسترس بودن<sup>۳</sup>، مقبولیت<sup>۴</sup> و انطباق‌پذیری<sup>۵</sup>. (Tomaševski, ۲۰۰۱). دو سطح موجود بودن و در دسترس بودن ناظر بر بُعد کمی این تعهدات است. یعنی ارائه فرصت‌های برابر تربیتی در سطح جامعه به‌گونه‌ای که همگی افراد جامعه در بازه سنی ۶-۱۸ به این فرصت‌ها و امکانات دسترسی داشته باشند. اما دو سطح بعدی ناظر است بر ابعاد کیفی تعهدات تربیت دولت‌ها. مقبولیت به این معنی است که فرصت‌های تربیتی ارائه شده باید واجد حدنصابی از کیفیت باشند که در آن سلامت جسمی و روانی کودکان مورد عنایت قرار گیرد. انطباق‌پذیری به این معنی است که فرصت‌های تربیت باید با نیازهای کودکان و چارچوب‌ها و ملاک‌های معیار عقلایی تطابق داشته باشند. به سخن دیگر، سازوکارهای نظام تربیت رسمی و عمومی، از قبیل برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت، آموزش، تدریس و ارزشیابی، با ملاک‌های خاص و معتبر هماهنگی و تناسب داشته باشند. در این مقاله تلاش شده است راهکاری برای تحقق بهتر عدالت تربیتی در جامعه ایران مطرح شود.

**کلیدواژه‌ها:** شورای پایش، حقوق کودک، عدالت تربیتی، نظام آموزشی

اصول و ملاک‌های معتبر عقلانی برای ارزیابی یک تربیت با کیفیت از چارچوب‌های نظری گوناگونی از جمله فلسفه اجتماعی، دانش‌های مثبت و مانند این‌ها استنتاج می‌شود. یکی از چارچوب‌های معتبر الهام‌بخش برای این اصول نظام حقوقی جامعه است. زیرا تربیت رسمی و عمومی به دلیل رسمی بودنش با نظام حقوقی جامعه ارتباط اساسی دارد. نظام حقوقی جامعه مجموعه‌ای از گزاره‌های تجویزی است که خرد جمعی جامعه آن را برای انسجام و تداوم حیات جامعه و اعتلای زندگی فردی آحاد خودش صورت‌بندی کرده و به آن وجاهت قانونی داده است. بنابراین نظام حقوقی به نحو اولی و در بنیاد خود با مصالح عالیة جامعه، به‌ویژه مصالح تربیتی جامعه، تناسب دارد. این مدعا به‌ویژه در خصوص نظام حقوق کودکان وجاهت عقلایی بیشتری دارد.

این نظام حقوقی امروزه به‌صورت نظامی جهانی<sup>۶</sup> در آمده است و کشورهای جهان آن را به مثابه بخشی از نظام حقوق ملی خود پذیرفته‌اند. علاوه بر این، در هر کشوری نظام حقوقی ویژه‌ای<sup>۷</sup> نیز وجود دارد که آن نیز از منابع الهام‌بخش و هدایت‌کننده سازوکارهای تربیت رسمی و عمومی است. دین اسلام که خود همواره پیشنهادگر طرح حقوق کودکان بوده

است، برای کودکان به‌ویژه از منظر تربیتی و مراقبت تکالیف ویژه‌ای را برای والدین و حاکم قائل شده است. «در اسلام، طبق روایات و احادیث فراوان، تربیت فرزندان وظیفه و تکلیف والدین و حق کودکان دانسته شده است. برخی آیات<sup>۱</sup> در قرآن کریم به صراحت یا غیرمستقیم بر مسئولیت تربیتی خانواده تأکید دارند. همچنین روایات زیادی<sup>۲</sup> در این زمینه وجود دارند که بر مسئولیت تربیتی خانواده و حقوق کودکان در تربیت صراحت دارند. در قوانین رسمی کشور نیز تربیت فرزندان تکلیف والدین دانسته شده است» (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱۶). در رساله حقوق **امام سجاد(ع)** بخش ویژه‌ای به حق کودک (فرزند) اختصاص داده شده است. حق تربیت امر پیچیده و ذو ابعادی است. در مبانی نظری «سند تحول بنیادین» (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) به برخی از ابعاد حق تربیت چنین اشاره شده است:

• حق برخورداری از تربیت اخلاقی و دینی؛  
 • حق برخورداری از تربیت تأمین‌کننده کرامت انسانی؛  
 • حق برخورداری از تربیت تأمین‌کننده و ارتقا دهنده آزادی انسانی؛

• حق برخورداری از تربیت آگاهی‌بخش؛  
 • حق برخورداری از تربیت تفکر برانگیز و خلاق؛  
 • حق برخورداری از تربیت زمینه‌ساز استقلال ملی و رهایی‌بخش از انواع سلطه؛  
 • حق برخورداری از تربیت زمینه‌ساز وحدت ملی و انسجام اجتماعی؛

- حق برخورداری از تربیت مصون از تعرضات جسمانی و روانی؛
- حق برخورداری احاد اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی از تربیت دینی و مذهبی متناسب؛
- حق مشارک فعال و متناسب متریبان با توانایی‌های هر دوره رشد، در مسائل تربیتی مربوط به خود؛
- حق برخورداری از تربیت فنی و مهارتی متناسب با

نیازهای جامعه؛

• حق برخورداری از محیط تربیتی سالم، ایمن و بهداشتی؛  
 • حق توجه به علاقه‌ها و استعدادها و استعدادهای فرهنگی و هنری در فرایند تربیت؛  
 • حق انتخاب فعالیت‌هایی مکمل و جانبی متناسب با علاقه‌ها و استعدادها؛

• حق انتخاب نوع تربیت (متناسب با سطح رشد و توانایی متری)؛  
 • حق تشکیل مؤسسات مردم‌نهاد و نهادهای مدنی برای مشارکت و نظارت بر نظام تربیتی؛

ملاحظه این ابعاد نشان می‌دهد که تحقق آن جریانی سخت است و نمی‌توان آن را به تصادف واگذار کرد. این یک مسئولیت مدنی است و حق الناسی است که باید برای تحقق‌پذیری بیشتر این ابعاد مهم و حیاتی و نظارت بر آن‌ها نهادسازی شود. بنابراین حق تربیت و حقوق کودکان موضوعی است که باید در ترتیبات خردمندانانه اجتماعی محقق شود، نه روی کاغذ و در گفتار. یکی از راه‌های بررسی چگونگی تحقق حق تربیت (در همه سطوح آن) و به نحو اولی حقوق کودکان، رصد و پایش آن در فرایندهای گوناگون اجتماعی است. لذا بررسی توافق و سازگاری رویه‌های جاری در نهادها، به‌ویژه نهاد تربیت رسمی و عمومی، از منظر نظام حقوقی ضرورت می‌یابد. به سخن دیگر، پیگیری و پایش حقوق (در اینجا حقوق کودکان) در ترتیبات اجتماعی و در جریان تربیت رسمی و عمومی ضرورت دارد و این مسئولیتی است که باید به گونه‌ای پیوسته به انجام برسد و انطباق سازوکارهای موجود با نظام حقوقی کودکان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

وجود برخی زمینه‌های آسیب‌زا در برخی سازوکارها و اقدامات و مداخلات ناظر به طرح ضرورت چنین جریانی است. هم‌اکنون ما شاهد هستیم در جامعه در مورد برخی سازوکارهای



تربیت رسمی که در آن‌ها بخش خصوصی فعال است، از منظر ملاحظات روان‌شناختی و فلسفه تربیت به شدت تردید وجود دارد، اما به سبب ملاحظات مالی و مادی توسعه چشمگیری یافته‌اند. یکی از این موارد توسعه و گسترش بی‌رویه، خارج از قاعده و آسیب‌زا آزمون‌سازی و آزمون‌پردازی است. همچنین است کتاب‌های کمک درسی که بازار داغی هم دارند و این هر دو به‌گونه‌ای در نهایت فشارهای سخت و ویران‌کننده‌ای را بر دانش‌آموز وارد می‌سازند. زیرا معلمان و والدین بر اساس این جوسازی‌ها، بیش از آنچه که در حد طبیعی و لازم در برنامه درسی تعریف شده است، برگرداندن دانش‌آموزان کار و فشار وارد می‌سازند. این جریان آشکارا سلامت روحی و حتی جسمی دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و لذا با حقوق کودکان مابینت دارد. نمونه دیگر از سازوکارهایی که از نظر حقوقی قابل پیگیری و بحث‌اند، بحث تکرار پایه است. تکرار پایه یکی از قواعد محکم و سابقه‌دار در نظام تربیت رسمی و عمومی است. منطق آن در ارتباط طولی محتوای آموزش‌ها و توانایی‌هایی است که در برنامه‌های درسی منظور شده است و لذا باید در مسیر تحصیلات رسمی توسط دانش‌آموزان کسب شود. اما واقعیت این است که تکرار پایه بی‌حساب و کتاب و ماشینی از یک سو، و قبولی بی‌حساب و کتاب نیز به بهانه برخی دلایل اقتصادی و مدیریتی (مثل بالا بردن کارایی درونی نظام) هر دو ظلمی است که بر دانش‌آموزان وارد می‌شود. یعنی هر دو شکل مواجهه با جریان پیشرفت تحصیلی به‌گونه‌ای ضایع شدن حقوق کودک را در پی خواهند داشت.

پیشنهاد مهمی که در راستای نتایج این مطالعه به‌نظر می‌رسد این است که با عنایت به اهمیت رعایت چارچوب‌های حقوقی (کودکان) در سازوکارهای تربیت رسمی و عمومی، اعم از برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت، آموزش و تدریس، و ارزشیابی، لازم است چنین فرایندی در کشور به‌عنوان یک جریان دائمی و مستمر مورد توجه قرار گیرد و تشکیلاتی خارج از وزارت آموزش و پرورش (یک نهاد عمومی یا به‌صورت تشکیلات «مردم‌نهاد»<sup>۱</sup>) طراحی و تشکیل شود تا مسئولیت این امر مهم را بر عهده گیرد. یعنی پیوسته سلامت حقوقی سازوکارهای تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی و حتی کلان‌جامعه را رصد و دیدبانی کند و به مراجع ذی‌صلاح (ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی) گزارش دهد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از تربیت رسمی و عمومی تربیتی است که در بازه زمانی شش تا هجده سالگی به افراد جامعه ارائه می‌شود. اجرای این تربیت بر عهده وزارت آموزش و پرورش است.

2. availability
3. accessibility
4. acceptability
5. adaptability

۶. در سطح بین‌المللی مجموعه‌ای اسناد حقوقی وجود دارد که مورد توافق

دولت‌های مختلف جهان است. اسناد زیادی از این دست وجود دارند، اما آن‌ها که به اهداف این مقاله نزدیک‌اند عبارت‌اند از:

۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر  
 ۵. اعلامیه جهانی حقوق کودک که ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده و نماینده ایران در آن زمان به آن رأی مثبت داد (عبادی، ۱۳۷۲).

۵. میثاق جهانی حقوق کودک. این میثاق مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه شناسایی حقوق کودک است و کشورها به رعایت آن الزام دارند. این سند که در نوامبر ۱۹۸۹ تهیه شده، مورد اجماع جهانی است و به تصویب اکثر کشورها رسیده است. ایران نیز در تاریخ ۷۲/۲/۱ به این میثاق ملحق شد.

۵. اعلامیه اسلامی حقوق بشر. این اعلامیه توسط کشورهای اسلامی تهیه شده است و در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای کنفرانس اسلامی در قاهره، در آگوست ۱۹۹۰ مصادف با ۱۴ محرم ۱۴۱۱ به تصویب رسید.

۵. میثاق جهانی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل.

۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل

ایران در سال ۱۳۵۴ این دو میثاق اخیر را در مراجع قانونی خود تصویب کرد و اکنون مفاد مصوب آن‌ها طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی هستند.

۷. این قوانین در سطح ملی وجود دارند:

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۵. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱/۹/۲۵

۵. قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایران مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰

۵. منشور ملی حقوق دانش‌آموز مصوب چهارمین نشست مجلس دانش‌آموزی، مهر ۱۳۸۳. این منشور مشتمل بر هفت فصل و ۵۶ ماده است.

۸. از جمله:

۵. «یا ایها الذین آمنوا فوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس و الحجاره» (تحریم/۶).

۵. «لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده» (بقره/۳۲۳).

۵. «و امر اهلیک بالصلوة و اصطبر علیها» (طه/۱۳۲).

۵. «وکان یأمر اهله بالصلوة و الزکوة و کان عند ربه مرضیا» (مریم/۵۵).

۹. برخی از فرموده‌های حضرت رسول (ص) به این شرح‌اند:

۵. «حق الولد علی والده ان یحسن اسمه و یحسن من وضعه و یحسن اده».

۵. «ما ورث والدا ولدا ولدا خیرا من ادب حسن».

۵. «ما نحل والد ولدا من نحل افضل من ادب حسن».

۵. «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نیکم، و حب اهل بینه، و قرآنه القرآن، فإن حملة القرآن فی ظل الله یوم لا ظل الا ظله مع انبیائه و اصفیائه».

10. NGO

#### منابع

۱. نهج‌الفصاحه.
۲. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۶۳). الحیات (ج ۱ و ۲). ترجمه احمد آرام. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. قم.
۳. صادق‌زاده، علیرضا؛ حسینی، محمد؛ احمدی، آمنه؛ کشاورز، سوسن (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. شورای عالی آموزش و پرورش. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.
۴. مکارم شیرازی، ناصر. شرح خطبه ۲۱۶. قابل دسترسی در وبگاه آیت‌الله مکارم شیرازی. تاریخ استخراج ۱۳۸۹/۶/۲۹
5. Tomaševski, K. (2001). Human rights obligations: making education available, accessible, acceptable and adaptable. Right to Education Primers No3. availability in <http://www.right-to-education.org/sites/right-to-education.org/files/>